

فصلنامه علامه

نشریه مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز

سال نوزدهم - شماره پیاپی ۶۰

بهار ۱۳۹۹

دیدگاه نظامی درباره سخن، سخنوری و شاعری*

سیدعلی کرامتی مقدم**

سیده آمنه حسینی جهانگیر***

چکیده

حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن موید مشهور به نظامی گنجوی از شاعران بزرگ سده ششم در حوزه ادبی آذربایجان است. خمسه یا پنج گنج مهم ترین آثار به جا مانده از اوست. در این میان مخزن الاسرار منظومه ای زاهدانه و شبه عارفانه است که ویژگی های منحصر به فردی دارد. یکی از مهم ترین نکات بارز و برجسته این کتاب تبیین جایگاه سخن و سخنوری به خصوص مرتبه شاعری در دیدگاه سراینده است. سخن سرای گنجه بر ارزش فوق العاده سخن و شعر تأکید ورزیده به حدی که قطعه شعری با عنوان در فضیلت سخن و مرتبت سخنوری سروده و دیدگاه های خود را درباره مقام و مرتبه سخن و جایگاه آن در

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۱۸

* تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۰

** استادیار دانشگاه فرهنگیان - پردیس شهید بهشتی مشهد karamatiseyedali@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

نظام هستی بیان کرده است. سؤال پژوهش آن است که آیا دیدگاه نظامی دربارهٔ سخنوری و شاعری با واقعیت منطبق بوده یا با اغراق شاعرانه بدان نگریسته و بر اساس تعصب شاعری خویش بدان پرداخته است؟ برای رسیدن به این هدف در این مقاله اشعار نظامی دربارهٔ سخنوری و شاعری که در آغاز مخزن‌الاسرار آمده مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. اندیشه‌های مختلف نظامی همراه با تصاویر شاعرانه‌ای که از سخن ارائه داده به شیوهٔ توصیفی و کتابخانه‌ای مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است تا خوانندگان محترم بتوانند درک بهتری از اندیشه‌های نظامی در این موضوع داشته باشند.

واژگان کلیدی: نظامی گنجوی، مخزن‌الاسرار، سخن، سخنوری و شاعری.

مقدمه

حکیم جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجوی از شاعران داستان‌پرداز ایرانی در قرن ششم به شمار می‌رود. او با سرودن منظومه‌های پنج‌گانهٔ خویش شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حدّ اعلای تکامل رسانده است. شعر، هنری کلامی و سخنی برتر است که در انتقال مفاهیم جایگاه ویژه‌ای دارد. نظامی با دیدی متفاوت به سخن و به ویژه به شعر و شاعری نگریسته و اندیشه‌های خود را در این باره به صورت پراکنده در آثارش جلوه‌گر ساخته است. او برای تبیین اندیشه‌های خود از نظم و سنجیده‌گویی بهره گرفته و به روانی و استحکام سخن پایبند بوده است. به همین دلیل آن را «ویژگی عمومی سخن نظامی» (یوسفی، ۱۳۹۰: ۳۹) به‌شمار آورده‌اند.

مسألهٔ پژوهش و فرضیه

سخن در زندگی بشر ارزش و اهمیتی فوق‌العاده دارد و تعاملات و ارتباط‌های او را با اطرافیان شکل می‌دهد. شاعران و نویسندگان بیش از دیگران به ارزش سخنوری و تأثیر آن بر روابط انسانی پی برده و هر یک از آنان به تناسب توانمندی خویش در این باره سخن گفته‌اند. یکی از این شاعران بزرگ نظامی گنجوی است. سؤال پژوهش این است که نظامی دربارهٔ جایگاه سخن، سخنوری و شعر چه اندیشه‌هایی داشته و چگونه و به چه میزان این اندیشه‌ها را در آثارش انعکاس داده است؟

پیشینهٔ پژوهش

شهرت نظامی و آثارش به ایام حیات او برمی‌گردد و همین شهرت سبب شده که افراد مختلف به خصوص شاعران و نویسندگان، تذکره‌نویسان و شارحان متعدد دربارهٔ آثار نظامی و اندیشه و سبکش سخن بگویند و یا مطلب بنویسند. در دورهٔ معاصر نیز

استادان بزرگی چون: وحید دستگردی، عبدالحمید آیتی، رضا اشرفزاده و... درباره نظامی و اشعار او پژوهش‌هایی انجام داده و گزیده‌هایی از اشعارش را چاپ نموده‌اند. آقای حسن بساک نیز کتاب *در اقلیم سخن را درباره جایگاه سخن و اصالت و رسالت آن* نوشته و از شاهدمثال‌های شعری نظامی در پژوهش خود بسیار بهره برده است. پژوهش‌گران مقاله‌هایی نیز در این باره نوشته‌اند که مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آن‌ها درباره موضوع پژوهش ما عبارت است از:

محمدشفیع صفاری و محمدباقر شهرامی مقاله‌ای با عنوان: «بررسی عنصر لحن در منظومه خسرو و شیرین نظامی» نوشته که در مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، ۱۳۹۲، شماره ۱۷، از صفحه ۶ تا ۵۱ چاپ شده است.

ابوالقاسم راد فر نیز مقاله «نظیره‌پردازان خمسه نظامی» را نوشته و در کیهان فرهنگی، شهریور ۱۳۷۱، شماره ۸۸ از صفحه ۲۴ تا ۲۷ به چاپ رسانده است. اسحاق طغیانی و حافظ حاتمی مقاله «رابطه ادبیات و اخلاق با رویکردی به آثار نظامی گنجه‌ای» را نوشته و در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۱۰، از صفحه ۶۳ تا ۸۲ چاپ نموده‌اند.

هدف و روش پژوهش

هدف از این پژوهش آن بوده است که دیدگاه‌های نظامی درباره جایگاه سخن و سخنوری و رتبه شاعری و فضیلت سخن تبیین و آشکار شود. برای این منظور اشعار نظامی در آغاز مخزن‌الاسرار برگزیده و شرح شده است. در بخشی از اشعار نیز تصاویر ادبی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

سخن، اولین آفریده خدا

نظامی سخن را اولین آفریده خدا و نخستین جلوه هستی دانسته و سروده است:

جنبش اول که قلم برگرفت حرف نخستین ز سخن درگرفت
 پرده خلوت چو برانداختند جلوت اول به سخن ساختند

(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۸)

شهرت آفرینی سخن

شاعر اعتقاد داشته که بدون سخن حیات بشری در نظام هستی غیر ممکن بوده است. به این جهت شهره ساختن آفرینش و دنیای کنونی، شیرینی زندگی انسان را در سایه سخن گفتن و ایجاد روابط انسانی را از فواید سخن دانسته است:

بی سخن آوازه عالم نبود این همه گفتند و سخن کم نبود
 باغ سخا را چو فلک تازه کرد مرغ سخن را فلک آوازه کرد
 نخل زبانرا رطب نوش داد در سخن را صدف گوش داد

(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۹)

نظامی بر سنجیده سخن گفتن و تأثیر آن بر روابط بشری تأکید نموده و در اشعار خود «در آداب سخن گفتن استدلال‌های دقیقی آورده» (رک. ثروت، ۱۳۹۲: ۲۵۲) است تا فرد در زندگی خویش از تکامل باز نماند.

سخن، جوهره اصلی عشق

شاعر گنجه سخن را اصل و باطن هر چیز به خصوص جوهره اصلی عشق دانسته و گفته است:

در لغت عشق سخن جان ماست ما سخنیم این طلل ایوان ماست

(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۹)

این گونه اندیشه‌های شاعر ناشی از آن است که در فرهنگ اسلامی - ایرانی، «سخن به‌عنوان شریف‌ترین گوهر آدمیت و لطیف‌ترین زیور شرف محرمیت ستوده شده» (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۵۱) است و ایرانیان مسلمان همواره به دیده احترام بدان نگرسته‌اند.

سخن، رهاننده اندیشه

در سخن راز و رمزهایی نهفته است که می‌تواند اندیشه‌های درونی انسان را آزاد نماید و آن‌ها را در نظام آفرینش به تکاپو درآورد:

خط هر اندیشه که پیوسته‌اند بر پر مرغان سخن بسته‌اند

(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۹)

به این جهت نظامی اعتقاد داشته که ارزش و جایگاه سخن بسیار بالاست و برتر از آن چیزی وجود ندارد. او به صراحت در اشعارش آورده که بزرگان و اندیشمندان، سخن را تاجور خوانده و بر صدر نشانده‌اند:

اول اندیشه پسین شمار	هم سخنست این سخن اینجا بدار
تاجوران تاجورش خوانده‌اند	وان دگران آندگرش خوانده‌اند
صدرنشین تر ز سخن نیست کس	دولت این ملک سخن راست بس

(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۹)

عنصرالمعالی نیز در قابوسنامه «برگزیدن زبان نو و زنده و پویا را از محسنات کلام» (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۲۲) به شمار آورده است تا جایگاه واقعی سخن حفظ شود و از مرتبه آن کاسته نشود.

نظامی در بیت دیگری سخن را عطیه‌ای الهی دانسته که آشکار کننده اسرار دل

است:

روشنی عقل به جان داده‌ای چاشنی دل به زبان داده‌ای

(نظامی، ۱۳۹۶: ۳۳)

سخن و نفوذ آن

نظامی اعتقاد دارد تأثیربخشی سخن و نفوذ کلام تا به حدی است که می‌تواند فتوحات بی‌شمار به ارمغان آورد و اقلیم‌گشایی کند. به اعتقاد او سخن از پرچم شاهی و قلم نیز فاتحانه‌تر رفتار می‌کند و حتی تبیین احکام شرعی با سخن و الفاظی که از آن می‌تراود، انجام می‌شود:

او ز علم فتح نماینده‌تر وز قلم اقلیم‌گشاینده‌تر
ملک طبیعت به سخن خورده‌اند مهر شریعت به سخن کرده‌اند

(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۹)

قبل از نظامی نیز دیگران به تأثیر سخن بر افراد اشاره نموده‌اند؛ برای نمونه

ابوشکور بلخی گفته است:

شنیدم که باشد زبان و سخن چو الماس بر آن و تیغ کهن
سخن بفکنند منبر و دار را ز سوراخ بیرون کشد مار را

(دبیرسیاقی، ۱۳۷۰: ۸۵)

حیات بخشی سخن

نظامی در بخش دیگری از اشعار خود سخن را حیات بخش شاعران دانسته و گفته

است:

ما که نظر بر سخن افکنده‌ایم مرده اوئیم و بدو زنده‌ایم
گر نه سخن رشته جان تافتی جان سر این رشته کجا یافتی
تا سخنست از سخن آوازه باد نام نظامی به سخن تازه باد

(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۹)

ناصر خسرو انسان را به درختی تشبیه نموده که خرد میوه آن و سخن گفتن برگ‌های آن به شمار می‌رود:

جان تو درختی است خرد بار و سخن برگ
وین تیره جسد لیف درشت و خس و خار است
(ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۸۷)

آرامش بخشی سخن

به اعتقاد نظامی اگر سخن درست و به جا همراه با رعایت اصول آن به کار گرفته شود، می‌تواند آرام‌بخش دل‌های ناآرام گردد و بر زبان‌ها جاری و ساری شود:
هم نفسش راحت جانها شود هم سخنش مهر زبانها شود

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱)

چنین سخنی همان سخن خدایی است که از زبان بنده خدا جاری می‌گردد، همان ذکر خداست که در قرآن بدان اشاره شده است؛ «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد-۲۸)، نظامی در اشعار خود به تأثیر یاد خدا بر سخن و اعتبار ناشی از آن اشاره کرده است:

شعر تو را سدره نشانی دهد سلطنت ملک معانی دهد
شعر تو از شرع بدانجا رسد کز کمربت سایه به جوزا رسد

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱)

ملازمت سخن و شریعت، بیشتر از طریق بهره‌گیری و تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان به اشکال مختلف از مفاهیم دینی و قرآن و حدیث آشکار می‌گردد. (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۶۶) چنان که سنایی اشعار خود را شرح احکام دینی و شرعی دانسته و گفته است:

شعر من شرح شرع و دین باشد شاعر راست‌گوی این باشد

(سنایی، حدیقه: ۷۲۵)

گنج آوری سخن

نظامی اعتقاد دارد که شاعران با شعر می‌توانند گنج هر دو دنیا را چه در زمینه‌های مادی و دنیوی و چه منافع معنوی و اخروی از آن خویش گردانند، او سخن را کلید این گنج دانسته که زیر زبان شاعر قرار دارد:

قافیه سنجان که سخن برکشند گنج دو عالم به سخن درکشند
خاصه کلیدی که در گنج راست زیر زبان مرد سخن سنج راست

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۰)

بر همین مبنا بوده که نظامی آثار خود را گنج نامیده (رک. دستگردی، ۱۳۷۴: ۲۴) و به نام پنج گنج معروف شده است. با این وجود در دیدگاه نظامی ارزش سخن بیشتر از مادیات و غیر قابل مقایسه با آن است:

سیم سخن زن که درم خاک اوست زر چه سگست آهوی فتراک اوست

(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۹)

ترجیح شعر بر نثر

نظامی شعر و نظم را بر نثر ترجیح داده است چرا که «سنجیده سخن گفتن، حاصل فکر بلند و اندیشه منظم است.» (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۹۳) او در ابیاتی با مقایسه سخن منظوم و مثنوی گفته است:

چونکه نسخه سخن سرسری هست بر گوهریان گوهری
نکته نگهدار بین چون بود نکته که سنجیده و موزون بود

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۰)

از آن جا که «سنجیده‌گویی و سخنان صواب بر زبان راندن همچون مرهمی است که دل‌ها را تسکین می‌دهد.» (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۹۴) نظامی سخن سنجیده و به‌خصوص

سخن سنجیده و موزون را برتر از هر چیز دانسته است. و در اشعارش «خوش آهنگی کلام ناشی از وزن و انتخاب کلمه‌های زیبا و گوش نواز (خورشیدی، ۱۳۹۴: ۱۸) ملموس است.

جایگاه شاعران

نظامی شاعران را سخن‌پرور و بلبل عرش خوانده است و اعتقاد دارد که آنان قابل مقایسه با سایر مردم نیستند:

بلبل عرشند سخن پروران باز چه مانند به آن دیگران

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۰)

در بیت دیگری مقام و جایگاه شاعران را در حد فرشتگان و وابستگان آن‌ها بالا برده و گفته است:

ز آتش فکرت چو پریشان شوند با ملک از جمله خویشان شوند

(همان)

شاعر گنجه گاهی نیز با اغراقی شاعرانه و ادبی، شاعری را سایه‌ای از پیامبری دانسته و گفته است:

پرده رازی که سخن پروریست سایه‌ای از پرده پیغمبریست

(همان)

گاهی از آن هم فراتر رفته و شاعری را در رتبه‌ای بعد از انبیای الهی دانسته است:

پیش و پسی بست صف کبریا پس شعرا آمد و پیش انبیا

(همان)

به این جهت نظامی رسالت و هدف والایی برای شاعران در نظر گرفته و از این دیدگاه آنان را هم‌ردیف پیامبران دانسته و گفته است:

این دو نظر محرم یک دوستند این دو چو مغز، آن همه چون پوستند

(همان)

اما شاعر هر فردی را شایسته شاعری و مقام بلند ندانسته، بلکه او نشان داده است «کسانی که دارای استعدادند اما زندگی خود را وقف دانش و کار نکرده‌اند، صاحب هنر و مقامی شایسته نیستند.» (صدیق، ۱۳۶۰: ۳۲) بدین جهت اگرچه گاهی شاعر را هم‌ردیف عارفان گوشه نشین و خلوت گزیده دانسته اما مشخصه اصلی آن را این دانسته که شاعر واقعی و بلند مقام برای گفتن یک شعر سر بر زانو نهاده و گنج با ارزش شعر را از معدن وجود خود بیرون کشیده است:

از پی لعلی که برآرد ز کان رخنه کند بیضه هفت آسمان

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۰)

در چنین زمانی است که آسمان در مقابل او خدمت می‌کند:

خدمتش آرد فلک چنبری باز رهد ز آفت خدمتگری

(همان)

حافظ نیز در سخنی حفظ نمودن شعرش را توسط فرشتگان آسمانی پاداش شعر

خود دانسته و سروده است:

صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت قدسیان گویا که شعر حافظ از بر می‌کنند

(حافظ، ۱۳۷۳: ۲۷۰)

کمال بخشی سخن و پرهیز از تملق

نظامی اعتقاد دارد که سخن به ذات خود هیچ عیبی ندارد بلکه در نفس خود

سبب کمال است ولی اگر شاعر حرمت سخن را پاس ندارد، آبروی آن را می‌برد و آن

را بی‌اعتبار می‌گرداند:

رای مرا این سخن از جای برد که آب سخن را سخن آرای برد

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱)

به این جهت شاعران چاپلوس و متملق درباری را نکوهش کرده که با فروختن اشعارشان در بهای زر ناچیز دنیوی، اعتبار سخن را ضایع نموده‌اند:

سیم کشانی که به زر مرده‌اند سکه این سیم به زر برده‌اند

(همان: ۵۱)

البته برخی اعتقاد دارند که مدح شاهان چندان هم به ضرر زبان و شعر و شاعری نبوده است. آن‌ها می‌گویند: اگر چه «شاعران مدّاح به طمع نزدیک ساختن خود به بزرگان حکومت و ثروتمندان و برخوردارانی از موقعیت و ثروت، دامن شعر و سخن و سخنوری را آلوده‌اند و البته از آن طرف نیز حاکمان با حاتم بخشی خود به این آفت، سخن و سخنوری را رونق داده‌اند. (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۸۸)

نظامی در بیت دیگری متملقان و ستایش‌گران درباری را در این سودای زراندوزی، متضرر و خسران دیده دانسته و گفته است:

هر که به زر سکه چون روز داد سنگ ستد دُرّ شب افروز داد

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱)

به این جهت توصیه نموده که اگر اشعار شاعری شهرت و اعتبار یافت، نباید آن را ارزان بفروشد؛ به تعبیری نباید آن را در خدمت ستایش شاهان و درباریان قرار دهد:

چون سخنت شهد شد ارزان مکن شهد سخن را مگس افشان مکن

(همان)

عفت بیان

عفت قلم و بیان یکی از ویژگی‌های شخصیت نظامی است. (ثروت، ۱۳۹۲: ۷۶) او به شاعران توصیه کرده که قبل از هر چیز باید خود را در مسائل شرعی و مذهبی فرهیخته گردانند و بعد از آن با پایبندی به اعتقادات مذهبی به شعر روی آورند و رسالت دینی و اعتقادی آن را حفظ نمایند:

تا نکند شرع تو را نامدار نامزد شعر مشو زینهار

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱)

برخی پژوهشگران گفته‌اند که این توصیه‌ها می‌تواند به شاعران جوانی باشد که «قریحه شعری دارند اما مایه لازم علمی در کارشان کم است و به ویژه در علم شرع هنوز مبتدی هستند». (یوسفی، ۱۳۹۰: ۴۱)

در این مورد است که شعر می‌تواند سبب رستگاری و کمال شاعر گردد و شاعر را به ملک‌الشعرایی برساند، چنان که نظامی به صراحت گفته است:

شعر تو را سدره نشانی دهد سلطنت ملک معانی دهد

شعر تو از شرع بدانجا رسد کز کمربت سایه به جوزا رسد

شعر برآرد به امیریت نام کالشعراء امراء الکلام

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱)

تکیه شاعر بر شرع حکایت از زهد و تقوا و پایبندی او به رعایت احکام دینی دارد. (یوسفی، ۱۳۹۰: ۴۱) شاعر در این بخش از سخن خود به مفهوم ۵ آیه پایانی سوره شعرا نظر داشته که خداوند فرموده است:

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمْ
يَقُولُونَ مَا لَّا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

تلاش برای سخن والا

پیوستگی بین لفظ و معنا منجر به آفرینش‌های هنری می‌گردد. (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۲۵) به این جهت نظامی در بخش دیگری از سخن تلاش برای سخن گفتن به سبک والا و مفید را توصیه نموده است؛ او اعتقاد داشته که شاعر باید برای رسیدن به درجه والا در شاعری شب‌ها را بیدار بماند و شمع‌گونه وجود خود را برای معرفت بخشی و پرتو افشانی به دیگران و سرودن اشعار ارشادبخش ذوب گرداند:

چون فلک از پای نشاید نشست تا سخنی چون فلک آری به دست
بر صفت شمع سرافکننده باش روز فرو مرده و شب زنده باش

((نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱))

اسباب ترقی و کمال آدمی و شکوفایی تمدن‌های بشری به سخن بازپسته است. (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۱) به این جهت نظامی قناعت به سخنان معمولی را برای شاعران نپسندیده و توصیه کرده است که شاعر باید دیرپسند باشد و به هر شعری راضی نگردد تا در سرودن اشعار تکامل یابد:

به که سخن دیر پسند آوری تا سخن از دست بلند آوری
هر چه در این پرده نشانت دهند گر نپسندی به از آنت دهند
سینه مکن گر گهر آری به دست بهتر از آن جوی که در سینه هست

((نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱))

پژوهشگران منظور نظامی را در تعبیر سخن از دست بلند، همان عبارت «قولا سدیدا» دانسته‌اند. (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۹) توصیه به دیرپسندی را نیز بیانگر «نوجویی و برتری جویی» (یوسفی، ۱۳۹۰: ۴۱) دانسته‌اند.

نیروی تخیل شگفت‌آور نظامی در تصویر صحنه‌ها و به کارگیری کلمات و لفظ‌ها در کمال زیبایی و آوردن تشبیهات و استعارات قوی فوق‌العاده است. نزدیک به پانصد مورد ترکیبات کنایی در آثار نظامی آمده است که قدرت ترکیب‌سازی، ایجاز و تسلط او را بر واژگان نشان می‌دهد. (ثروت، ۱۳۹۲: ۷۸) نباید فراموش کرد که «استفاده استادانه نظامی از صنایع ادبی موجب شده است که به او کمتر اتهام صنعت زدگی و متکلف بودن زده شود. (خورشیدی، ۱۳۹۴: ۲۰) و این امر بر جذابیت سخن او افزوده است. در این راستا باید گفت که نظامی به توصیه‌هایی که داشته خود عمل نموده و وجود استعارات و تشبیهات گوناگون در نهایت لطافت و زیبایی یکی از موفقیت‌های او در این عرصه است.

شعر جوهره وجود انسان

نظامی شعر را جوهره ذات انسان و پاره‌ای از وجود او دانسته و گفته است:

هر رطبی کز سر این خوان بود آن نه سخن پاره‌ای از جان بود

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۰)

شاعر گنجه اعتقاد دارد که «هر قافیه سنج و سخن بازی را نمی‌توان سخنور گفت.» (صدیق، ۱۳۶۰: ۳۲) چرا که از نظر او سخن‌دانی و شاعری، «چشمه حکمت» است و هر فردی نمی‌تواند بدان چشمه راه یابد مگر این که مقدمات و شایستگی آن را کسب کند:

چشمه حکمت که سخن دانی است آب شده زین دو سه یک نانی است

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۰)

اما درباره خود نظامی باید پذیرفت که: «سخن چون آب جاری از چشمه خاطر شاعر جوشیده است.» (یوسفی، ۱۳۹۰: ۲۸) به این جهت شعر خود را همچون مشتری خوش یمن دانسته که ساحری دارد و می تواند سبب نابودی هاروت گردد:

مشتری سحر سخن خوانمش زهره هاروت شکن دانش

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۱)

فخر به شعر

نظامی گنجوی خود را آزادکننده شعر از دربار خوانده که توانسته است شعر را در

خدمت دین قرار دهد:

شاعری از مصطبه آزاد شد	شعر به من صومعه بنیاد شد
صور قیامت کنم آوازه را	گر بنمایم سخن تازه را
فتنه شود بر من جادو سخن	هر چه وجود است ز نو تا کهن

(همان: ۵۲)

خلاقیت و نبوغ سرشار نظامی قرن ها شاعران، نقاشان، خطاطان، موسیقی دانان و داستان نویسان را در ممالک گوناگون اسلامی با زبان و سنن متفاوت تحت تأثیر خود قرار داده است. کلمات و ترکیب های تازه، تشبیهات و تمثیل های خیال انگیز، الفاظ تراش خورده ای که چون نگین بر انگشتی ریتیم و وزن جای می گیرد سبب شده قرن ها در لسان ترکی و فارسی و سخن سنجان و شاعران زبده در تتبع از نظامی طبع آزمایی کرده اند. (محمدزاده صدیق، ۱۳۹۵: ۲۴) نظامی خود به این نکته اشاره کرده و در قسمت دیگری از شعر خود با صراحت بیشتری به فخریه سرایی روی آورده و از شعر

خویش و ارزش والای آن سخن گفته و به خود مباحثات کرده است که سخنانش می‌تواند فرشتگان آسمان را به اعجاب وادارد:

صنعت من برده ز جادو شکیب سحر من افسون ملایک فریب
سحر حلالم سحری قوت شد نسخ کن نسخه هاروت شد
شکل نظامی که خیال منست جانور از سحر حلال منست

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۲)

نظامی در ابیاتی مناجات‌گونه خطاب به خداوند از عجز و ناتوانی در بیان صفات خداوند سخن گفته و با اشاره به حدیث «من عرف الله کل لسانه» سروده است:

در صفت گنگ فرو مانده‌ایم من عرف الله فرو خوانده‌ایم
چون خجلیم از سخن خام خویش هم تو پیامرز به انعام خویش

(همان: ۳۴)

نظامی فقط در مقابل عظمت باریتعالی قد خم نموده و با فروتنی مخلوقانه

خویش در مقابل خالق قادر گفته است:

گرچه سخن فربه و جان پرورست چون که به خوان تو رسد لاغرست

(همان: ۴۶)

شکر سخن

نظامی اعتقاد دارد که به دلیل ارزش بالای شعر، سخنور باید سخن خود را در

خدمت ذکر خداوند و بیان عظمت او قرار دهد و اگر قرار باشد سخنی جز ذکر خدا

گفته شود، همان بهتر که گوینده خاموش گردد و آن را فراموش کند:

هر که نه گویای تو خاموش به هر چه نه یاد تو فراموش به

(همان: ۳۲)

به این جهت از خداوند می‌خواهد که به او معرفت دهد تا بتواند درباره‌ی خداوند سخن بگوید:

نزل تحیت به زبانش رسان معرفت خویش به جانش رسان

(همان: ۳۵)

نظامی تصریح می‌کند که پیامبر با این که سواد خواندن و نوشتن نداشته است ولی به دلیل عنایت و معرفتی که خدا به او داده توانسته است که فصیح سخن براند:

امی گویا به زبان فصیح از الف آدم و میم مسیح

(همان: ۳۵)

بر همین مبنا از خداوند خواسته تا به او عنایتی کند با داشتن مهر تأیید الهی بتواند سخن خویش را به اوج و کمال برساند:

ای سخنت مهر زبانهای ما بوی تو جانداروی جانهای ما
دور سخا را به تمامی رسان ختم سخن را به نظامی رسان

(همان: ۳۹)

گوش سخارا ادب آموز کن شمع سخن را نفس افروز کن
به نظر می‌رسد که نظامی به خواسته‌ی خود رسیده و خداوند آرزوی او را برآورده نموده است:

طبع نظامی که بدو چون گل است بر گل او نغز نوا بلبل است

(همان: ۴۰)

نظامی شاعری عاشقانه اندیش و عاشقانه سراسر؛ او اعتقاد دارد که هر شاعر و سخنگویی باید زیبا بین باشد و زیبایی‌های نظام هستی را بر زبان راند:

باغ پر از گل، سخن خار چیست؟ رشته پر از مهره، دم مار چیست؟

(همان: ۳۹)

این سخن را بعدها اقبال لاهوری نیز گفته است:

ولی با من بگو آن دیده ور کیست؟ که خاری دید و احوال سخن گفت
(اقبال لاهوری)

نو اندیشی در سخن

نظامی به نوآوری در سخن و خلق مضامین تازه نیز اشاره کرده و به خود فخر ورزیده که از دیگران تقلید ننموده است:

عاریت کس نپذیرفته‌ام آنچه دلم گفت بگو گفته‌ام
(نظامی، ۱۳۹۶: ۴۷)

به جهت همین نواندیشی و تازه‌گویی است که سخن و شعر خود را بر سخن سنایی ترجیح داده و سروده است:

گرچه در آن سکه سخن چون زرست سکه زر من از آن بهترست
کاین سخن رسته پر از نقش باغ عاریت افروز نشد چون چراغ
(همان)

در این راستا به حریف‌طلبی و شکست حریفان و حسودان خود نیز اشاره نموده و سخن خود را در تأثیربخشی به شمشیری تشبیه نموده که توانسته به وسیله آن بر حریفان غالب آید و آنان را به شکست بکشانند:

تیغ ز الماس زبان ساختم هر که پس آمد سرش انداختم
(همان: ۴۸)

پژوهشگران در این زمینه سخن نظامی را تأیید کرده و نوشته‌اند: «نظامی بیش از دیگران حد و مرز شناخته شده نویسنده‌گی و سخن‌سرایی را به هم زده و خود را زیر سپر نوآوری برده است.» (دستگردی، ۱۳۷۴: ۹۷) و حتی او را به دلیل نوآوری‌هایش لقب «مطرزی یعنی طرز نو آورنده» داده‌اند. (رک. همان: یازده)

نوشتن سخن

همان طور که «ماندگاری نام سخنور، در گرو ماندگاری و تأثیر سخن است. می‌توان آسمانی بودن سخن را نیز دلیل ماندگاری آن دانست.» (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۸) فردوسی درباره جاودانگی بخشی سخن گفته است:

پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند
نمیرم از این پس که من زنده‌ام که تخم سخن را پراکنده‌ام

(فردوسی، ۱۳۸۷، ۱: ۷۴۵)

سخن ماند از ما همی یادگار تو با گنج دانش برابر مدار

(همان، ۲: ۱۵۸۳)

ماندگاری سخن، نتیجه فکر و اندیشه دقیق و بسامان است. (رک. بساک، ۱۳۸۵: ۱۶) نظامی همچون فردوسی با اندیشه سامان یافته خویش سخنانی ماندگار سروده است. او نیز در هفت پیکر سخن درست و بی‌عیب را نگهبان خزانه غیب دانسته که سبب ماندگاری و جاودانگی می‌گردد:

سخنی کو چو روح بی‌عیب است خازن گنج خانه غیب است
یادگاری کز آدمیزاد است سخن است آن دگر همه باد است

(نظامی، ۱۳۹۶: ۵۵۱)

به این جهت نوشتن را به شاعران و سخنوران توصیه کرده است تا سخن را ماندگار و جاودانه گردانند:

حرف زبانرا به قلم بازده وام زمین را به عدم بازده

(همان: ۳۳)

نتیجه‌گیری

نظامی سخن را اولین آفریده خدا دانسته که سبب شهرت آفرینی نظام خلقت و آفرینش انسان شده است. او سخن را جوهره اصلی عشق متقابل بین خدا و انسان معرفی کرده که به این وسیله توانسته‌اند اندیشه خود را رها کنند. در ایاتی به ارزش سخن و نفوذ آن در ذهن و اندیشه مخاطب اشاره کرده و سخن را حیات بخش به انسان دانسته است. سخن در دیدگاه او آرامش‌بخش روح و روان فرد می‌گردد و می‌تواند بسیاری از دردهای روحی و روانی را التیام بخشد. سخن در دیدگاه نظامی برای انسان گنج‌آوری دارد به خصوص شعر که گنج مادی و معنوی برای شاعر به ارمغان می‌آورد. او به این جهت شعر را بر نثر ترجیح می‌دهد و جایگاه شاعران را والاتر از بقیه مردم می‌داند. شعر را جوهره وجود انسان هنرمند می‌داند و به این دلیل فخر شاعر را به شعر خود شایسته و سزاوار دانسته و برای این که این هنر والا ماندگار بماند به شاعران و نویسندگان توصیه کرده که به نوشتن شعر و سخن خود پردازند و خود را از این طریق جاودان گردانند.

منابع

- بساک، حسن (۱۳۸۵)؛ *در اقلیم سخن*، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ثروت، منصور (۱۳۹۲)؛ *گنجینه حکمت در آثار نظامی*، تهران، انتشارات علمی.

- حافظ شیرازی، خواجه محمد (۱۳۷۳)؛ دیوان، تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی علیشاه.
- خورشیدی نوروزی، سیده حورا لقمان (۱۳۹۴)؛ تحلیل محتوایی مخزن الاسرار نظامی گنجوی، شهر ری: دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۷۰)؛ پشاهنگان شعر پارسی، تهران، سهامی.
- راد فر، ابوالقاسم (۱۳۷۱)؛ نظیره پردازان خمسه نظامی، کیهان فرهنگی، شماره ۸۸ (از صفحه ۲۴ تا ۲۷).
- صدیق، ح. م. (۱۳۶۰)؛ زندگی و اندیشه نظامی، تهران، توس.
- صفاری، محمد شفیع؛ شهرامی، محمدباقر (۱۳۹۲)؛ بررسی عنصر لحن در منظومه خسرو و شیرین نظامی مطالعات و تحقیقات ادبی، شماره ۱۷، از ۵۱ تا ۶.
- طغیانی، اسحاق؛ حاتمی، حافظ (۱۳۹۰)؛ رابطه ادبیات و اخلاق با رویکردی به آثار نظامی گنجهای، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۰، از ۶۳ تا ۸۲.
- محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۹۵)؛ پاره‌ای از جان، با مقدمه و گردآوری یوسف بیگ باباپور و سیداحسان شکر خدایی، تهران، تکدرخت.
- ناصر خسرو (۱۳۶۵)؛ دیوان، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، دانشگاه تهران.
- یوسفی، حسین علی (۱۳۹۰)؛ مصلاهی نور (نقد تطبیقی مخزن الاسرار و مطلع الانوار)، مشهد: به نشر.